

دریای خزر، بازی شطرنج پیرامون یک موضوع جدید جهانی (ژنو - ۹ مهر ۱۳۷۵)

مؤسسه مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه ژنو در تاریخ ۹ مهرماه سال جاری مبادرت به برگزاری گردهمایی یک‌روزه‌ای با عنوان دریای خزر، بازی شطرنج پیرامون یک موضوع جدید جهانی نمود. در این گردهمایی استادانی از دانشگاه‌ها و مؤسسات مطالعات بین‌المللی فرانسه، سوئیس و روسیه، دیپلمات‌های ترکیه، روسیه، افغانستان، سوئیس و جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی مستقر در ژنو، نماینده وزارت دفاع سوئیس شرکت داشتند.

این گردهمایی با خوشامدگویی رئیس جلسه آقای «گیل برتاتین» آغاز به کار کرد. سپس خانم «آنی‌تایر اپولسکی» استاد مؤسسه ملی زبانها و تمدن‌های شرقی از مؤسسه بین‌المللی فرانسه به‌عنوان اولین سخنران مطالبی را ارائه داد که خلاصه نکات سخنرانی ایشان عبارت‌اند از:

دریای خزر از جنبه‌های اقتصادی، انرژی و سیاسی دارای اهمیت است و سوابق تاریخی نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد. روسیه طی قرون متمادی به این قسمت از جهان سلطه داشت و اکنون نیز قصد دارد آن را همچنان تحت نفوذ خویش نگاه دارد، پیش از فروپاشی شوروی، «مطلب‌اف» بر استخراج و صدور نفت آذربایجان با کمپانی‌های نفتی غربی وارد مذاکره شد؛ ولی روسیه جلوی این کار را گرفت؛ به عبارتی بدون توافق با روسیه هیچ کاری در این منطقه انجام‌پذیر نیست.

در حاشیه خزر چندین درگیری وجود دارد. مهمترین آنها درگیری روسیه و آمریکا با هدف یکسان سلطه و رهبری این منطقه می‌باشد. درگیری مهم دیگر کشمکش کشورهای حاشیه خزر برای کسب منافع بیشتر از دریای خزر می‌باشد. جنگ آذربایجان و ارمنستان نیز از درگیری‌هایی است که در مجموع اوضاع این منطقه را بسیار پیچیده کرده است. منافع آذربایجان در آن است که درآمد حاصله را با همه کشورهای منطقه تقسیم کند و گرنه در آینده با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

در مورد نفت آذربایجان و ترکمنستان می توان گفت سه موضوع مهم می باشد: ۱. بهای نفت طی سالهای آینده؛ ۲. میزان ذخایر نفت و گاز که هنوز رقم واقعی در مورد ذخایر این کشورها در دست نیست؛ ۳. اینکه چگونه می توان این نفت و گاز را به بازار مصرف منتقل کرد که با توجه به شرایط منطقه، ایران احتمالاً بهترین مسیر است.

سخنران در نتیجه گیری هایش اظهار داشت بی ثباتی و جنگ در منطقه و کشمکش کشورهای حاشیه دریای خزر برای کسب منافع بیشتر و مبارزه ایران و روسیه علیه نفوذ آمریکا از مشخصه های این منطقه از جهان به شمار می رود.

«سزار رومانو» دارای دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه ژنو و ایتالیایی الاصل دیگر سخنران این گردهمایی بود. موضوع سخنرانی وی چند ملاحظه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر بود. فراهایی از صحبت ایشان بدین قرار است:

تا زمان فروپاشی شوروی، دریای خزر تحت سلطه دو کشور ایران و شوروی بود. اتحاد جماهیر بخش اعظم دریای خزر را تحت سیطره داشته و از ناوگان دریایی کامل برخوردار بود؛ ولی با ظهور کشورهای جدید، منافع جدید و مسائل حقوقی جدیدی مطرح شدند.

نخستین قرارداد میان ایران و روسیه در مورد دریای خزر به نام «پیمان رشت» در ۱۳ فوریه ۱۷۹۲ شکل گرفت و پس از جنگهای ۹ ساله، قرارداد گلستان میان این دو کشور منعقد شد و سپس در قرارداد ترکمنچای، روسها به تحکیم موقعیت خود در خزر پرداختند.

اکنون ایران و روسیه از فرضیه وجود حق حاکمیت مشترک قانونی همه کشورهای حاشیه دریای خزر به این دریا دفاع می کنند. این فرضیه به استناد یادداشت V در متن قرارداد ۱۹۳۵ میان ایران و شوروی است. حق حاکمیت مشترک، راه حل جامعی نیست؛ ولی راهی فوری و موقتی به شمار می رود و با توسعه سازمان یافته و بهره برداری از منافع آن سازگاری ندارد. پیشنهاد در مورد دریای خزر آن است که این بزرگترین دریاچه دنیا در زمینه حمل و نقل و ارتباطات به عنوان یک دریاچه بین المللی شناخته شود و در زمینه منافع مهمی مانند منابع نفتی، ماهیگیری و محیط زیست به عنوان یک دریای بسته قلمداد گردد.

از نقطه نظر روانی، همه دولتهای حاشیه خزر بجز ایران به حقوق بین الملل و روشهای مسالمت آمیز برای حل و فصل مشکلات دچار بدگمانی هستند. در این مورد هنوز جهان بینی

اتحاد شوروی نقش مهمی را ایفا می‌کند و تقریباً هیچ‌یک از این دولتها عضو کنوانسیونهای مناسب و مساعد از جمله کنوانسیون حقوق دریاها و کنوانسیون کمیسیون اقتصادی اروپا در مورد حمایت و استفاده از آبهای فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی نیستند.

مشخص است که سرانجام همه دولتهای حاشیه خزر به رژیم حقوقی تن در خواهند داد؛ ولی پیش از آن می‌خواهند بیشترین امتیازهای ممکن را بگیرند.

دکتر محمدرضا جلیل استاد دانشگاه مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی ژنو سخنران بعد از ظهر گردهمایی با عنوان ایران و دریای خزر بود. او به نکات ذیل اشاراتی داشت:

هنوز ایرانیان نام واحدی را برای کاسپین برگزیده‌اند؛ برخی آن را دریای خزر، عده‌ای دریای مازندران و برخی دریای شمال می‌نامند.

استانهای همجوار دریای خزر «گیلان و مازندران» به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی متفاوت می‌باشند و این دو استان از نظر مذهبی متفاوت از دیگر استانها بودند، آنان نخست زیدی و اسماعیلی مذهب بودند و در دوران صفوی به شیعه روی آوردند. این منطقه ایران از گذشته به تجارت با جهان خارج تمایل داشته است. فرآورده‌های این منطقه تا سواحل دریای سیاه نیز راه پیدا می‌کرد. الحاق اقتصادی منطقه شمال به اقتصاد ایران از سده ۱۹ آغاز شد و ساخت راه آهن شمال این موضوع را تسریع کرد. این دو استان ۶ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۰٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد. آنان به طور نسبی توسعه یافته بوده و از ثروت بیشتری نسبت به دیگر استانها برخوردارند و همچنین به دلیل سطح بالای سواد، راحت پذیرای نوسازی هستند. حکومت ایران قبلاً هیچ‌گونه ناو دریایی در این دریا نداشت؛ ولی روسیه از قرن هفدهم از این دریا برای رسیدن به قفقاز و آسیای مرکزی استفاده کرده است.

سیاست ایران در منطقه دریای خزر چنین است:

الف) توسعه روابط دو جانبه در همه زمینه‌ها با همه دولتهای منطقه؛

ب) تشکیل یک سازمان همکاری منطقه‌ای با شرکت پنج کشور حاشیه دریای خزر؛

ج) مبنا قرار دادن قرارداد ۱۹۴۰ ایران و روسیه برای قراردادهای آتی و

همکاری‌های منطقه‌ای.

ایران همچنین علاقه‌مند است منطقه خزر به صورت حق حاکمیت مشترک اداره شده و

استفاده از منابع دریایی و زمینی با کنترل بین‌المللی متشکل از کشورهای منطقه انجام گیرد. همچنین می‌خواهد در این فرآیند، منطقه آرام و غیرنظامی شود. ایجاد یک رژیم حقوقی جدید به صورت دوجانبه میان ایران و روسیه انجام نخواهد شد. بلکه توافق کلیه دولتهای همسایه را نیز بایستی دربر بگیرد.

طبق مسیرهای پیش‌بینی شده برای خطوط لوله‌های نفت و گاز راه مدیترانه و راه جنوب از خاک ایران می‌گذرد. ایران به‌عنوان کشور تولیدکننده نفت در مسیر عبور نفت و میان دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است و تنها مشکل پیش روی تهران در به‌اجراء درآوردن طرحهای بزرگ، نیاز به حمایت از خارج و تأمین منابع مالی مورد نیاز می‌باشد؛ ولی مبارزه ایران با ارزشهای پذیرفته شده غربی این کشور را در مظان اتهام قرار داده است. ایالات متحده به‌طور فعال با تمام طرحهای نفتی و گازی که از خاک ایران عبور کند مخالفت کرده و جلوی اجرای آن را خواهد گرفت.

سیاست روشن ایران در قبال منطقه دریای خزر بسط و گسترش قدرت خود در همه زمینه‌ها می‌باشد. ایران در نظر دارد خود را به‌عنوان قدرت نخست منطقه‌ای بقبولاند. همچنین با انزوای خود در صحنه بین‌المللی مبارزه کند. ایران روابط بسیار نزدیکی با روسیه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی برقرار کرده است. فروش سلاحهای پیشرفته نظامی زیردریایی، نیروگاه اتمی، ایران را به یک شریک اصلی اقتصادی روسیه مبدل کرده است و از سوی دیگر روسیه برای ایجاد تعادل با غرب و آسیا به اتحاد با ایران نیازمند است. این اتحاد به روسیه اجازه می‌دهد که در صحنه خاورمیانه و خلیج فارس حضور داشته باشد.

«سومیه واتر» مسئول تحقیقات بنیاد ملی علوم سیاسی پاریس در ارتباط با آذربایجان و دریای خزر سخنرانی ذیل را ارائه نمود. او ضمن شرح مختصری از وضعیت آذربایجان گفت: آذری‌ها در جنگ خونین با ارمنستان حدود ۲۰٪ خاک کشور خود را از دست دادند. ۲ میلیون نفر از اتباع آذری بی‌خانمان شده‌اند. همچنین به دلیل این جنگ آذری‌ها نتوانسته‌اند خود را از نظر اقتصادی سامان دهند و دچار ناامنی شده‌اند. این جنگ هنوز راه‌حل قطعی نداشته است.

استراتژی‌های روسیه در قبال آذربایجان، ایجاد بی‌ثباتی کنترل‌شده در این کشور و حفظ روند وابستگی قبلی است. از سوی دیگر ایران و ترکیه به‌عنوان قدرتهای منطقه‌ای قصد دارند نفوذ خود را بر باکو اعمال کنند.

آذربایجان فاقد هویت تاریخی، ملی و قومی است. طبق یک برآورد در درازمدت، روسیه و ارمنستان موافق هستند که استقلال آذربایجان را از بین ببرند؛ در نتیجه آنان حاضرند تا امکانات لازم را در اختیار اکراد ترکیه قرار دهند.

آذربایجان برای ترکیه اهمیت استراتژیک دارد؛ زیرا در صورت ایجاد خط لوله نفتی این کشور اهمیت بسزایی می‌یابد.

سیاست آمریکا در منطقه مبارزه با توسعه‌طلبی روسیه، تقویت استقلال این جمهوری نوپا و رهایی از وابستگی انرژی به مسکو می‌باشد.

در مورد رقابت و نقش ایران و ترکیه در آذربایجان ارزیابی‌ها مبالغه‌آمیز است؛ روسیه هنوز قدرت اصلی در آن کشور به‌شمار می‌رود.

سینار به دو قسمت (صبح و بعدازظهر) تقسیم شده بود، سخنرانی صبح موضوعی و بعدازظهر راجع به هریک از کشورهای حاشیه دریای خزر صحبت شد، چهار موضوعی که صبح پیرامون آن صحبت شد. عبارت بودند از:

۱. بازی اقتصادی در دریای مازندران

۲. مسائل ژئوپلتیک نفت و گاز در دریای مازندران

۳. رژیم حقوقی در دریای مازندران

۴. مشکلات محیط‌زیست در دریای مازندران

در جلسه، ۹ مقاله ارائه گردید و نزدیک به پنجاه نفر شرکت داشتند؛ افرادی از طرف بانکها و شرکت‌های سوئیسی از جمله دو تاجر خاویار و چند نفر ایرانی از جمله دانشجویی که از پاریس آمده بود و خانمی که برای یک مؤسسه تحقیقات سوئیسی کار می‌کرد در جلسه حضور داشتند.

مطالب منفی جلسه عمدتاً شامل کشور ترکیه و چگونگی حضور این کشور در قفقاز بود و تا حدودی مطالبی نیز علیه روسیه مطرح گردید. آنچه که راجع به ایران گفته شد همگی مثبت بودند.